

امکان سنجی شمول نفقه بر هزینه‌های

درمانی و بهداشتی زن

(با تأکید بر ماده‌ی ۱۱۰۷ قانون مدنی)

احمد مرتازی* حسین حاجی حسینی**

چکیده

ماده‌ی ۱۱۰۷ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴ موارد نفقه را در موارد منصوص شرعی منحصر می‌داند و نسبت به نیازهای دیگر زن از جمله هزینه‌های درمانی و بهداشتی او بیانی نداشت، اما با اصلاح آن در سال ۱۳۸۱ موارد نفقه در این ماده به صورت تمثیلی بیان شد و هزینه‌های درمانی و بهداشتی را نیز در خود گنجانده. در این ماده از کلمه‌ی «متعارف» استفاده شده که نسبت به تمام موارد نفقه صدق می‌کند، اما در مورد اینکه هدف قانون‌گذار از این کلمه قید «هزینه‌ها» است یا قید «بیماری‌ها» اختلاف نظر وجود دارد که بررسی آن ثمره‌ی مهمی را در حیطه‌ی وظایف شوهر نسبت به زن در پی دارد. پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای از یک سو، پس از بررسی نظریه‌های مطرح، به شمول نفقه بر آنها رسیده است و از سوی دیگر در مورد تعلق قید «متعارف» به هزینه‌ها یا بیماری‌ها نتیجه می‌گیرد که منظور از کلمه‌ی «متعارف» قید «هزینه‌ها» است. بنابراین در تمام بیماری‌هایی که هزینه‌ی آن متعارف باشد، شوهر به پرداخت هزینه‌های درمانی و بهداشتی زن ملزم است.

واژگان کلیدی

هزینه‌های درمانی و بهداشتی، بیماری متعارف، بیماری صعب‌العلاج، نفقه‌ی زوجه.

*- استادیار دانشگاه تبریز (a.mortazi@tabrizu.ac.ir).

** - دانشجوی دکتری دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول) (h.hosiny64@gmail.com).

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۲ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۱۷

مقدمه و بیان مسئله

پرداخت نفقه‌ی زن یکی از لوازم عقد نکاح است که در فقه و حقوق اسلامی بر عهده‌ی شوهر قرار گرفته است. فقها از دیرباز در مورد مصادیقی از آن همچون طعام و لباس و مسکن اتفاق نظر دارند، اما درباره‌ی امور درمانی و بهداشتی زن به عنوان مصداق نفقه اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای از فقها اصلاً امور بهداشتی و درمانی را جزء نفقه ندانسته و شوهر را به پرداخت ملزم نمی‌دانند (حلی، ۱۴۰۵: ۴۸۸). قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴ نیز در ماده‌ی ۱۱۰۷ از این نظر پیروی کرده بود برخی دیگر از فقها به ویژه فقهای معاصر با توجه به مقتضیات زمان این امور را نیز از مصادیق نفقه می‌دانند (سبزواری، بی‌تا: ۵۷۳؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲: ج ۲۲، ص ۳۱۴) و قانون مدنی نیز با اصلاح ماده‌ی ۱۱۰۷ در سال ۱۳۸۱ به تبع از آنها این امر را پذیرفته است. قانون‌گذار ایران در ماده‌ی ۱۱۰۷ و در تعریف نفقه مقرر می‌دارد: «نفقه عبارت است از همه‌ی نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه‌ی نقصان یا مرض». در بین فقها نیز همین اختلاف نظر وجود دارد، به نحوی که عده‌ای از ایشان فقط امور درمانی و بهداشتی متعارف را جزء نفقه می‌دانند (طباطبایی قمی، ۱۴۲۶: ج ۱۰، ص ۲۸۹؛ اراکی، ۱۴۱۳: ۲۸۷). در مقابل، گروهی دیگر بر این باورند که نفقه مطلقاً شامل امور درمانی و بهداشتی می‌شود خواه متعارف یا نامتعارف (خویی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۳۶۰؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۳۰۳). مسئله‌ی اصلی پژوهش این است که بنا بر باور آن دسته از اندیشمندان که فقط خدمات بهداشتی و درمانی متعارف را بر عهده‌ی زوج می‌دانند، برداشت صحیح از تعبیر «متعارف» چیست؟ به دیگر سخن، با توجه به متن ماده‌ی فوق، طبق یک نظریه کلمه‌ی «متعارف» قید است برای هزینه‌های درمانی و بهداشتی، یعنی باید هزینه‌های درمانی و بهداشتی متعارف باشد تا جزء نفقه باشد و طبق یک نظریه‌ی دیگر کلمه‌ی «متعارف» قید است برای بیماری، یعنی بیماری‌ها باید متعارف باشد. پای‌بندی به هر کدام از این نظریه‌ها ثمره‌ی حقوقی مهمی را در پی دارد که پژوهش حاضر با بررسی ادله و قائلین آنها در پی ارائه‌ی این آثار است و ضرورت تحقیق نیز از همین جا روشن می‌شود، زیرا با وجود بیماری‌های نادر و صعب‌العلاج و غیرمتعارف امروزه و همچنین هزینه‌های بالای بسیاری از این بیماری‌ها، وظایف و هزینه‌های نسبتاً متفاوتی بر زوج تحمیل می‌شود. این پژوهش، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی، در صدد پاسخ به این مسئله‌ی بنیادین است.

۱. چارچوب مفهومی پژوهش

۱-۱. نفقه

نفقه اسم مصدر از انفاق بوده و در لغت به معنای آنچه خرج و مصرف می‌شود، آمده است (قرشی، ۱۴۱۲: ج ۷، ص ۹۷؛ مشکینی: ۵۴۴) و در اصطلاح به آن چیزی که نسبت به زوجه بر زوج واجب است تا آنها را مهیا کند اطلاق می‌شود، مثل طعام و محل سکونت و پوشاک و... (ابوجیب، ۱۴۰۸: ۳۵۸). البته در حقوق خانواده، نفقه ویژه‌ی زوجه نبوده بلکه اقارب نیز مشمول این نهاد حقوقی حمایتی هستند. به هر روی، ادای نفقه مقتضای طبیعت انسان است که با وجود آن امور جامعه قوام و نظام حیات اجتماعی استمرار می‌یابد. به عبارت دیگر نفقه از اموری نیست که شارع آن را اختراع کرده باشد و مردم بعد از آن نسبت بدان تعبد یافته باشند، بلکه جزء سیره‌ی عقلا بوده و شارع مقدس تنها آن را امضا کرده و در برخی از خصوصیات کمی یا کیفی آن تصرف کرده است (مشکینی، همان). قانون مدنی در ماده‌ی ۱۱۰۷ و منابع فقهی امامیه با استناد به ادله‌ی روایی، موارد آن را به صورت تمثیلی بیان کرده است.

۱-۲. بیماری‌های صعب‌العلاج^۱

فرهنگ‌های لغت معمولاً در مقابل کلمه‌ی «صعب» چند معنا ذکر می‌کنند که اولین و مهم‌ترین آن معنای دشوار و سخت است و همچنین معنای گران و مشکل را نیز آورده‌اند (معین، ۱۳۶۴: ۱۵۱۲). در مواردی نیز علاوه بر معانی فوق، ناگوار بودن و ناخوشایند بودن هم ذکر شده است (آذرنوش، ۱۳۹۳: ۳۶۴). بنابراین «صعب‌العلاج» را هم می‌توان به بیماری‌های سخت و دشوار معنا کرد که درمان آن و تحمل درد و رنج آن برای بیمار بسیار سخت است و هم می‌توان به بیماری‌هایی اطلاق کرد که تحمل هزینه‌های آن بر بیمار دشوار یا ناممکن است. بیماری‌ها را می‌توان به دو دسته بیماری‌های عمومی و بیماری‌های صعب‌العلاج تقسیم کرد. از بیماری‌های صعب‌العلاج می‌توان به انواع سرطان‌ها و هپاتیت اشاره کرد. از نگاه پزشکی، منبع خاصی به تعریف بیماری‌های صعب‌العلاج و بیان مصادیق آن نپرداخته و تنها می‌توان به نظر بنیاد بیماری‌های خاص^۲ استناد جست که سرطان، ام‌اس، پیوند کلیه، دیابت، اوتیسم و ای بی را جزء مصادیق بیماری‌های صعب‌العلاج اعلام داشته است. همچنین مطابق نامه‌ی شماره‌ی ۱۰۶۱۳ مورخ ۹۱/۰۸/۱۴ معاونت درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بیماری‌های صعب‌العلاج شامل پیوند اعضا، سرطان‌ها، نقص ایمنی مادرزادی، هپاتیت B و C، بیماری‌های شدید روانی، اعتیاد و بیماری‌های پیشرفته رماتیسمی است.

1- refractory disease

2- <http://www.cffsd.org>

۲. مصادیق نفقه و امکان توسعهی آن

چنان‌که در مقدمه ذکر شد، گروهی از فقها معتقدند که نفقه منحصر در موارد مخصوص و منصوصی است که بر آن اتفاق نظر وجود دارد و مابقی موارد را مشمول نفقه نمی‌دانند. با وجود این اختلاف باید بررسی شود که موارد قطعی نفقه‌ی واجب بر زن کدام موارد است. در این مورد چند احتمال وجود دارد که به اجمال بررسی می‌شود:

احتمال اول اینکه، نفقه تنها شامل همان عناوین اولیه‌ی چهارگانه شامل اطعمه و اشربه و البسه و مسکن است و همین که شوهر این امور را فراهم کند به طوری که منافع آن به زن برسد کفایت می‌کند و لزومی ندارد که عین این امور را به زن تسلیم کند تا زن آنها را تملیک کند (عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۲۰۷). فخرالمحققین دلیل این احتمال را اصل برائت ذمه از وجوب تملیک بیان می‌کند و می‌گوید: «هدف از وجوب پوشاک، پوشاندن است که آن هم با تهیه‌ی لباس برای زن به دست می‌آید» (حلی (فخرالمحققین)، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۲۷۲). احتمال دوم همان موارد چهارگانه‌ی احتمال اول را شامل می‌شود با این تفاوت که باید این امور را به ملکیت زن درآورد تا خود او به هر نحوی که بخواهد از آن بهره‌بربرد (حلی (علامه)، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۱۰۶). احتمال سوم در مقام بیان لزوم ایفاء نیازهای زن از سوی شوهر است، به هر نحوی که برای زن میسر باشد. البته تملیک عین را واجب نمی‌داند. بنابراین در مواردی غیر از موارد چهارگانه فوق که زن بدان نیاز دارد، شوهر موظف است آنها را نیز برآورده کند همچون نیازهای پزشکی و بهداشتی. احتمال چهارم ضمن تأکید بر احتمال سوم، به وجوب تملیک عین به زن نیز قائل است به عبارت دیگر در احتمال چهارم، تمام نیازهای زن باید به صورت عین و با قصد تملیک از سوی شوهر برآورده شود. احتمال پنجم آنکه ملاک نیازهای زن نیست بلکه ملاک شأن اجتماعی زن است و همین مقدار که شأن اجتماعی زن حفظ شود و در مقابل دیگران احساس ذلت و خواری نکند، کفایت می‌کند. این شأن اجتماعی می‌تواند شأن فعلی باشد که از قبیل میزان اموال شوهر است و یا شأن معنوی باشد که بر اساس میزان احترام شوهر در اجتماع است (صدر، ۱۴۲۰: ج ۶، ص ۲۷۷). احتمال ششم ضمن قبول احتمال پنجم تملیک عین را نیز لازم می‌داند. احتمال هفتم ملاک را نه نیاز زن می‌داند و نه شأن اجتماعی او بلکه ملاک طلب زن است، یعنی هر آنچه که زن از شوهر بخواهد باید از سوی شوهر برآورده شود اعم از اینکه تملیک عین کند یا نه. احتمال هشتم این است که ملاک نظر شوهر باشد، یعنی شوهر هر چه خواست به زن اعطا کند، همان را بدهد و اگر نخواست چیزی بدهد، لازم نیست تا آن را بدهد، چه با تملیک عین چه بدون تملیک عین. علامه حلی در *قواعد/احکام* شیخ طوسی را قائل به این قول می‌داند (حلی (علامه)، ۱۴۲۰: ج ۴، ص ۲۹).

در مقام نقد و بررسی احتمالات مذکور می‌توان گفت که احتمال‌های هفتم و هشتم از اعتبار ساقط است، زیرا هم قائلین معتبری ندارد و هم اطلاق بسیار گسترده‌ای دارد که باعث عسرو حرج طرفین می‌شود. برخی شارحین حقوق، ملاک اعتبار را هم وضع زن و هم وضع شوهر می‌دانند نه وضع و شأن یکی از آن دو (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۱۷۴). شش احتمال دیگر را می‌توان تا حدی توجیه‌پذیر دانست. در مورد دو احتمال اول و دوم باید گفت، هر چند برخی از فقها به آن دو احتمال قائل‌اند، اما شکی نیست که لزوم موارد چهارگانه و قطعی نفقه از باب غالب است که در تمام زمان‌ها و مکان‌ها برای نیازهای حیاتی و اجتماعی ضروری است (صدر، ۱۴۲۰: ج ۶، ص ۲۷۶). با این حال چون موارد نفقه را در موارد چهارگانه منحصر می‌دانند، نمی‌توان هزینه‌های درمانی و بهداشتی را طبق این احتمال بررسی کرد. در مورد احتمالاتی که تملیک عین را لازم دانسته‌اند باید گفت، ادله در این مورد اطلاق دارند و لزومی ندارد که موارد نفقه به صورت عین در ملکیت زوجه درآید تا زن بتواند از آنها بهره‌مند شود، بلکه هدف برآوردن نیازهای زن است که با بهره‌گیری از منافع عیون بدون تملک آنها نیز میسر است. سید محمد صدر در این باره می‌گوید در مورد موارد متیقن در نفقه، تملیک واجب است، اما در مازاد بر آن - که هزینه‌های درمانی و بهداشتی نیز جزء آنها است - تملیک واجب نیست. ایشان برای واجب نبودن تملیک دو دلیل را بیان می‌کند؛ یکی نبود دلیل بر آن و دیگری جریان اصل برائت نسبت به مازاد از موارد منصوص و متیقن (همان: ص ۲۸۴). بنابراین احتمال‌های چهارم و ششم نیز مقبولیت کافی ندارند. آنچه از احتمالات باقی می‌ماند احتمال سوم و پنجم است. احتمال پنجم ملاک را شأن اجتماعی زن می‌داند، اما این ملاک در برخی موارد ممکن است حقوق زن را برآورده نکند؛ برای مثال اگر زن در محیطی زندگی کند که اطرافیان وی از حداقل‌های زندگی نیز بی‌بهره‌اند و این زن جایگاه بالاتری دارد، طبق احتمال پنجم این زن احساس ذلت و خواری نمی‌کند، زیرا در وضعیتی بهتر از دیگران است، اما ممکن است در همین شرایط نیز از برخی مصادیق نفقه‌ی خود محروم باشد. بنابراین این ملاک در مواردی مثال نقض دارد. در نهایت، احتمال سوم را می‌توان به عنوان بهترین احتمال در نظر گرفت، زیرا اولاً در مورد خاصی از نفقه منحصر نیست. ثانیاً زن می‌تواند به فراخور زمان و مکان، نیازهای خود را از این طریق تأمین کند. ثالثاً شوهر نیز لازم نیست حتماً قصد تملیک موارد نفقه را داشته باشد و در نتیجه از تکلفات آثار مربوط به تملیک و تملک در امان است. رابعاً با پیشرفت‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جوامع، در روند زندگی زناشویی نقصی وارد نشده و عرف جامعه این نیازها را تبیین می‌کند. بنابراین با فرض پذیرش این احتمال، امور مربوط به بهداشت و درمان به راحتی و بدون نیاز به دلیل می‌تواند از موارد نفقه باشد، زیرا طبق این احتمال یکی از نیازها می‌تواند همین خدمات مربوط به درمان و بهداشت باشد و فقهای متأخر نیز بدان تصریح کرده‌اند؛ هر چند در مورد کم و کیف آن اختلاف نظر وجود دارد.

محمدجواد مغنیه عرف را مرجع تحدید نفقه می‌داند و اذعان می‌کند که بر اساس عرف هر آنچه که زن به آن نیاز دارد، جزء نفقه است. ایشان در ادامه با قیاس اولویت هزینه‌های مربوط به درمان و بهداشت زوجه را جزء نفقه‌ی واجب می‌داند، با این بیان که نیاز به دارو و درمان از نیاز به خوراک و پوشاک و ... شدیدتر است و وقتی خوراک و پوشاک و مسکن و خادم و ... واجب باشد به طریق اولی، هزینه‌های درمانی و بهداشتی زن بر شوهر واجب است (مغنیه، ۱۴۲۱: ج ۵، ص ۳۱۵). علامه حلی در مورد مقدر یا غیر مقدر بودن، به دلیل اصل برائت ذمه از تقدیر، اصل را بر نبود تقدیر می‌گیرد و می‌گوید کسی که ادعای تقدیر کند باید دلیل بیاورد، درحالی‌که هیچ دلیلی بر آن از کتاب و سنت و اجماع وجود ندارد (حلی (علامه)، ۱۴۱۱: ج ۷، ص ۳۲۰). بنابراین پژوهش حاضر اصل را بر نبود تقدیر نفقه در موارد منصوصه گرفته و همچون بسیاری از فقها، عرف زمان و مکان، ملاک وجوب موارد نفقه در نظر گرفته خواهد شد.

۳. نظریه‌های مطرح درباره‌ی تأمین هزینه‌های درمانی و بهداشتی زوجه

اندیشمندان اسلامی درباره‌ی اینکه آیا هزینه‌های درمانی و بهداشتی نیز جزء مصادیق نفقه‌ی همسر قلمداد شده و پرداخت آن از جانب زوج الزامی است یا نه، اختلاف نظر دارند. حتی درباره‌ی قلمرو این وجوب و میزان شمول هزینه‌های کلان درمان بیماری‌ها از سوی ایشان دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است که در زیر به طرح و بررسی هر یک از آنها پرداخته می‌شود.

۳-۱. شامل نشدن نفقه بر هزینه‌های درمانی و بهداشتی

در مورد شامل شدن یا شامل نشدن نفقه بر هزینه‌های درمانی و بهداشتی دو نظریه‌ی کلی وجود دارد. برخی از فقها با توجه به روایات باب و همچنین تعبیدی که به این روایات دارند، نفقه‌ی واجب بر زن را شامل هزینه‌های بهداشتی و درمانی نمی‌دانند. گفتنی است، آنچه امروزه به عنوان هزینه‌های درمانی و بهداشتی مطرح می‌شود، در ادبیات این فقها با عنوان ادویه و اجرت طبیب بیان شده است که این مورد را همچون برخی از موارد دیگر جزء نفقه‌ی واجب زن نمی‌دانند. با توجه به اینکه این دسته از فقها از یک سو نسبت به این هزینه‌های درمانی و بهداشتی در زمان خود توجه داشته‌اند و از سوی دیگر در مقام بیان موارد نفقه بوده‌اند ولی این مورد را داخل در موارد نفقه نمی‌دانند، محرز می‌شود که آنها از باب موضوعیت نداشتن هزینه‌های درمانی و بهداشتی آن را رد نکرده‌اند، بلکه در زمان آنها موضوعیت داشته و بدان آگاه بوده‌اند ولی از ادله چیززی بیش از موارد منصوص درنیافته‌اند. همچنین آنها ادله‌ای را در مورد شامل شدن نفقه بر موارد منصوص و شامل نشدن آن بر موارد غیرمنصوص از جمله هزینه‌های درمانی و بهداشتی مطرح کرده‌اند که به عنوان ادله‌ی این نظریه می‌توان به آنها اشاره کرد:

- دلیل اول، فقهای قائل به این نظریه می‌گویند هزینه‌های بهداشتی و درمانی مربوط به زمان بیماری زن است، درحالی‌که قدر متیقن از ادله‌ی وجوب نفقه، وجوب آن در فرض صحت و سلامتی زن است. بنابراین در فرض مریض بودن زن، نفقه واجب نمی‌شود یعنی باید به قدر متیقن آن اکتفاء کرد. یحیی بن سعید حلی به این دلیل اشاره کرده و ضمن اینکه تهیه‌ی دارو و درمان را واجب نمی‌داند، حتی اجرت طبیب - که امروزه تحت عنوان ویزیت و یا قراردادهای شخصی با اطبا مطرح می‌شود - را نیز بر شوهر واجب نمی‌داند (حلی، ۱۴۰۵: ۴۸۸).

به نظر می‌رسد، از آنجا که هزینه‌های آرایشی-بهداشتی از نظر مصادیق مندرج در روایات و کتب فقهی با تجمیل و زیبایی‌ی زوجه برای شوهر نزدیک است مثل تهیه لوازم آرایش آن دوران از جمله سرمه و...، نباید در لزوم پرداخت هزینه‌های بهداشتی توسط زوج تردید کرد. در این باره می‌توان به کلام شهید ثانی استناد جست که می‌نویسد: «از جمله موارد نفقه‌ی همسر تهیه‌ی وسایل لازم برای روغن‌مالی موها و نیز مایع تقویت‌کننده و بازکننده‌ی موهاست که از روغن معمولی یا سایر روغن‌دانه‌های غیرمعطر یا معطر ساخته شده باشد. همین‌گونه است، تهیه‌ی شانه و شوینده‌های مو که از سدر یا خاک مخصوص یا صابون درست شده و سایر ابزارهای مشابه مورد نیاز زن» (عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳: ج ۸، ص ۴۵۶). فیض کاشانی نیز در این باره می‌گوید: «ضابطه در میزان نفقه‌ی زوجه، این است که طبق عرف شهر خودش، نیازمندی‌های همسر خود اعم از خوراک، خورش، لباس، مسکن، خدمتکار، ابزار روغن‌مالی و نظافت و بهداشت را تأمین کند، چرا که معنای حسن معاشرت و انفاق به معروف، چیزی غیر از این نمی‌تواند باشد». بنابراین مشاهده می‌شود که با استناد به دلیل قرآنی «و عاشروهنّ بالمعروف»، تهیه‌ی لوازم آرایشی و بهداشتی مورد نیاز همسر، لازمه‌ی حسن معاشرت زوجه و حفظ سلامت اوست گرچه دلیل شرعی خاصی در مورد این الزام، وارد نشده باشد (فیض کاشانی: ج ۲، ص ۲۹۷).

همچنین شاید بتوان هزینه‌ی زایمان ولو سزارین و داروهای دوران بارداری و شیردهی را از سایر امراض که ناشی از زوجیت نیست، تفکیک کرد و حکم این موارد با بیماری‌های مقاربتی زن - که از شوهرداری و فرزندآوری ناشی می‌شود - مشابهت بیشتری داشته و تکلیف هزینه‌های این موارد هر چند نه از باب نفقه، اما به سبب دیگر مثل تسبیب، بر عهده‌ی شوهر باشد. چرا که ضابطه در تسبیب، این است که آن عمل جزء شرایط و عوامل زمینه‌ساز تحقق نتیجه باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ج ۲، ص ۲۰۷) و عمل شوهر نیز زمینه‌ساز بیماری ناشی از بارداری و هزینه‌های آن است. بنابراین مطابق قاعده‌ی تسبیب، در ضمان ناشی از تسبیب شوهر نسبت به جبران هزینه‌های درمانی این‌گونه بیماری‌ها نباید تردید کرد، چرا که وفق ماده‌ی ۳۰۷ قانون مدنی «تسبیب» از اسباب ضمان قهری است.

گروهی از فقهای معاصر شیعه نیز به صراحت، هزینه‌های تولد و زایمان را که از آن با عنوان «مصاريف الولادة» یاد می‌شود، جزء نفقه‌ی زوجه می‌دانند (خویی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۲۸۷؛ بصری بحرانی، ۱۴۱۳: ج ۷، ص ۱۵۲؛ سیستانی، ۱۴۱۷: ج ۳، ص ۱۲۶؛ تبریزی، ۱۴۲۶: ج ۲، ص ۳۵۹؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸: ج ۳، ص ۳۲۵). محقق خویی در این باره می‌نویسد: «بنا بر نظر اقوی، هزینه‌هایی که برای تولد نوزاد خرج می‌شود، جزء نفقه‌ی زوجه‌ی دائم است» (خویی، همان).

- دلیل دوم، تعبد این دسته از فقها نسبت به روایات باب است که قائل‌اند ادله‌ی باب، حق زن را در پوشاک و اطعام و اسکان منحصر کرده است و غیر از این موارد منصوص چیز دیگری برای زن بر عهده‌ی شوهر نیست (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۱، ص ۳۳۸). این دسته از فقها گاهی از عبارت «لا یجب» و گاهی از عبارت «لا تستحق» هزینه‌های مربوط به درمان و بهداشت زن را جزء نفقه نمی‌دانند.

- دلیل سوم، این نظریه یک دلیل نقضی است، موارد دیگری نیز وجود دارد که تقریباً قریب به اتفاق جزء مسائل بهداشتی زن هستند، ولی مشمول نفقه نمی‌شوند. آنها با این استدلال که اگر هزینه‌های بهداشتی و درمانی جزء موارد نفقه بود، باید این موارد قریب به اتفاق که جزء موارد نفقه نیستند هم جزء نفقه محسوب می‌شدند درحالی‌که این طور نیست. صاحب جواهر هر چند به عرف نظر دارد، اما اشاره‌ای تلویحی به این موارد داشته است (همان: ص ۳۳۶). این موارد قریب به اتفاق عبارت است از اجرت حجامت و اجرت حمام و اجرت فصد و لوازم نظافتی و... . علامه حلی در کتاب قواعد الاحکام ضمن اینکه می‌گوید تهیه‌ی دارو برای مریضی زن بر شوهر واجب نیست، اجرت حجامت و حمام را نیز واجب نمی‌داند. البته در مورد اجرت حمام که جزء مسائل بهداشتی زن است، در شرایط سرمای زیاد استثناء قائل شده است (حلی (علامه)، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۱۰۵؛ همو، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۳۵). ایشان در جایی دیگر زن را مستحق تهیه‌ی دوا و دارو برای بیماری‌اش نمی‌داند (حلی (علامه)، ۱۴۲۰: ج ۴، ص ۳۲). شیخ انصاری نیز همین بیان را دارند (انصاری، ۱۴۱۵: ۴۸۴). شهید ثانی حتی مواردی چون عطر و سرمه را نیز بر شوهر واجب نمی‌داند که برای زن تهیه کند و در مورد واجب نبودن تهیه‌ی دارو برای بیماری زن قولی همانند علامه حلی دارد (عاملی (شهیدثانی)، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۲۰۷). در این موارد نیز اختلافاتی وجود دارد؛ برای مثال صاحب /یضاح الفوائد بعد از قول به واجب نبودن تهیه‌ی هزینه‌های دارو و درمان و اجرت حجامت و اجرت حمام، آنچه مربوط به نفس زایل کردن چرک‌ها و کثیفی‌ها از بدن زن می‌شود را بر شوهر واجب می‌داند. به عبارت دیگر اجرت حمام را واجب نمی‌داند، اما تهیه‌ی صابون و امثال آن را برای از بین بردن چرک و کثیفی بر شوهر واجب می‌داند (حلی (فخرالمحققین)، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۲۷۰). البته وجوب آلات تنظیف مثل صابون با دلیل عقلی هم روشن می‌شود، زیرا بدون رعایت آن زن در تمکین شوهر دچار مشکل می‌شود و این شوهر است که باید موانع تمکین زن را برطرف کند. درباره‌ی

دلیل واجب نبودن اجرت حمام که از مسائل بهداشتی است، شاید بتوان گفت که نفس حمام موضوعیت نداشته و تنها راه برطرف کردن چرک و کثیفی نبوده است و دیگر اینکه شست‌وشو از طریق حمام در خارج از منزل یکی از هزینه‌های تشریفاتی محسوب می‌شده است؛ لذا همان طور که امروزه بسیاری از هزینه‌های تشریفاتی مختص زن، ممکن است جزء نفقه نباشد، طبیعی است که اجرت حمام نیز در زمان خاصی هزینه‌ی تشریفاتی محسوب می‌شده و جزء نفقه نبوده است. در این مورد نیز اختلاف نظر وجود دارد؛ از میان فقهای معاصر، آیت‌الله اراکی به وجوب آن قائل است (اراکي، ۱۴۱۳: ۲۸۷). مؤلف *کشف‌اللاثام*، در این مورد به واجب نبودن اجرت حمام قائل است و نبود دلیل را دلیل واجب نبودن آن دانسته است (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ج ۷، ص ۵۶۸). آیت‌الله بهجت نیز آن را تأمل برانگیز می‌داند (بهجت فومنی، ۱۴۲۶: ج ۴، ص ۱۱۱).

- **دلیل چهارم**، وجود تشویش و اضطراب و اختلاف زیاد در وجوب موارد نفقه با وجود روایات واحد، دلیل دیگری است که در این نظریه می‌تواند مطرح شود. محقق نجفی با بیان این اختلافات می‌فرماید: «اگر آن دسته از فقها که موارد غیرمنصوص را نیز مشمول نفقه‌ی واجب می‌دانند، آن را به عرف و عادت احاله می‌دادند، بهتر بود، اما گویی آنها از آراء کتب عامه تبعیت کرده‌اند». ایشان در ادامه ملاک‌های وجوب انفاق را برمی‌شمرد که اگر ملاک، در انفاق بذل جمیع مایحتاج زن است دیگر برای استثناء کردن هزینه‌های درمانی و بهداشتی و مثل آن وجهی باقی نمی‌ماند و اگر ملاک وجوب انفاق فقط خوراک و پوشاک و مسکن باشد، دیگر برشمردن فراش و خادم به خصوص در دوران بیماری زن وجهی ندارد، اما اگر ملاک در انفاق، معاشرت به معروف و اطلاق انفاق باشد، پرداخت تمام موارد نفقه از جمله هزینه‌های بهداشتی نیز واجب خواهد بود (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۱، ص ۳۳۶). ایشان در مورد احتمال اخیر می‌فرمایند: «اگر بخواهیم به اطلاق انفاق و معاشرت به معروف در آیه‌ی کریمه تمسک کنیم باید همه‌ی موارد نفقه را در بر بگیرد. اینکه برخی خادم و فراش و امثال آن را از اطلاق ادله‌ی فوق منصرف می‌دانند، ادعای بدون دلیل است، زیرا بین این موارد و هزینه‌های درمانی و بهداشتی فرقی وجود ندارد» (همان: ۳۳۸). بنا بر نظر صاحب جواهر یا باید به اطلاق کلام تمسک شود و تمام موارد فوق را مشمول نفقه دانست و یا اینکه به مورد روایت بسنده شود که قدر متیقن از آن همان موارد چهارگانه مشهور است. آیت‌الله حکیم نیز بعد از نقل این عبارات از صاحب جواهر اشکالی را بدین مضمون وارد می‌کند که امر به معاشرت به معروف در آیه‌ی شریفه در مقام تشریح وجوب نفقه نیست، بلکه در مقام الحاق زن مطلقه به آن است (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶: ج ۱۲، ص ۳۰۳).

- **دلیل پنجم**، امر موجود در روایات باب در موارد متیقن، امر مولوی است و لذا ظهور در وجوب دارد، اما امر مربوط به غیر از موارد متیقن حمل بر ارشادی شده و لذا ظهور در استحباب

دارد، به عبارت دیگر، در مورد هزینه‌های درمانی و بهداشتی که از موارد غیرمتیقن است، امری وجود ندارد یا اگر وجود دارد، امر ارشادی است و دلالت بر وجوب ندارد. آیت‌الله اراکی ضمن بیان این دلیل، این احتمال را هم می‌دهد که بعید نیست بتوان وجوب هزینه‌های درمانی و بهداشتی را تحت عنوان «ماییم الصلب» درج کرد و در مورد دلیل آن ادعان می‌کنند که اقامه‌ی صلب در حق بیمار حاصل نمی‌شود، مگر با تهیه‌ی درمان بیماری زوجه (اراکي، ۱۴۱۳: ۲۸۷). مراد از «اقامه‌ی صلب» یا «اقامه‌ی ظهر» امور مربوط به روابط جنسی و تولید نسل است.

۳-۲. شمول کلی نفقه بر هزینه‌های درمانی و بهداشتی

قائلین این نظریه در مورد روایات باب، وسعت نظر بیشتری دارند و گویا برخی ملاحظات و مقتضیات زمان و مکان را نیز دخیل می‌دانند. ماده‌ی ۱۱۰۷ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۱۴ در مورد نفقه‌ی زن دائمی با نظریه‌ی شامل نشدن نفقه بر هزینه‌های درمانی و بهداشتی تطابق داشت. در این ماده آمده بود: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه‌ی مرض یا نقصان اعضا». از ظاهر این ماده‌ی منسوخ بر می‌آید که موارد نفقه در آن حصری باشند نه تمثیلی و لذا سایر مایحتاج زن از جمله هزینه‌های درمانی و بهداشتی را شامل نمی‌شد، آنچنان که برخی فقها در این نظریه به آن قائل بودند، اما بیشتر حقوق دانان با آن موافق نبوده و عقیده داشتند که نفقه‌ی زن در این موارد منحصر نیست، بلکه متناسب با عرف، نیازهای دیگر از جمله هزینه‌های درمانی و بهداشتی را نیز شامل می‌شود (صفایی و امامی، ۱۳۹۳: ج ۱، ص ۱۵۵؛ کاتوزیان، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۱۷۳؛ گرجی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۱۴) تا اینکه قانون‌گذار این ماده را در تاریخ ۸۱/۹/۲۰ اصلاح کرد. در ماده‌ی اصلاح شده نه تنها نفقه را در موارد خاصی منحصر نکرد، بلکه در مقام تمثیل حتی به هزینه‌های درمانی و بهداشتی نیز اشاره کرده است. بنابراین ماده‌ی اصلاحی با نظریه‌ی دوم مبنی بر شمول نفقه بر هزینه‌های درمانی و بهداشتی مطابق است و این نظریه امروزه پشتوانه بسیار محکمی دارد. نظریه‌ی شمول نفقه بر هزینه‌های درمانی و بهداشتی خود به دو نظریه‌ی کوچک‌تر تقسیم می‌شود. به عبارت دیگر فقهای قائل به این نظریه ضمن قبول شمول نفقه بر هزینه‌های درمانی و بهداشتی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ عده‌ای از آنها هم هزینه‌ها و بیماری‌های متعارف و هم هزینه‌ها و بیماری‌های نامتعارف را جزء نفقه می‌دانند و عده‌ای دیگر تنها هزینه‌ها و بیماری‌های متعارف را مشمول نفقه می‌دانند.

۳-۲-۱. شمول نفقه بر عموم هزینه‌ها و بیماری‌های متعارف و نامتعارف

در این نظریه فقها ضمن پذیرش شمول نفقه بر هزینه‌های درمانی و بهداشتی به اطلاق ادله در این باب قائل‌اند، به گونه‌ای که نفقه هم هزینه‌ها و بیماری‌های درمانی و بهداشتی متعارف را

در بر می‌گیرد و هم هزینه‌ها و بیماری‌های نامتعارف را. این گروه از فقها که بیشتر فقهای معاصرند به ادله‌ی نقلی و عقلی تمسک کرده‌اند. در مقابل این نظریه، عده‌ای دیگر معتقدند تنها هزینه‌های متعارف درمانی و بهداشتی مشمول نفقه می‌شوند. ادله‌ی نظریه‌ی عمومیت هزینه‌ها و بیماری‌ها را می‌توان در موارد ذیل برشمرد:

الف) دلیل اول این نظریه از قرآن کریم است که در آیه‌ی ۲۲۹ سوره‌ی بقره می‌فرماید: «فالمساک بالمعروف». در این نظریه به عمومیت این کلام الهی استدلال شده است که هم شامل هزینه‌های متعارف و هم غیرمتعارف می‌شود. برخی از فقهای معاصر شیعه، پس از بیان اینکه هزینه‌های دارویی جزء نفقه است، در مورد هزینه‌های درمانی در بیماری‌های صعب‌العلاج نیز با استفاده از همین عمومیت آیه، قائل به وجوب آن بر شوهر هستند (سبحانی: ج ۲، ص ۳۶۶؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲: ج ۲۲، ص ۳۱۴). البته برخی از فقها ضمن پذیرش شمول نفقه بر هزینه‌های درمانی و بهداشتی متعارف و نامتعارف، تحمل هزینه‌های نامتعارف را به حرجی نبودن آن بر شوهر مقید می‌دانند، یعنی در صورت وجود حرج بر شوهر آن را واجب نمی‌دانند (سبزواری، بی‌تا: ۵۷۳). عده‌ای نیز هزینه‌های دارویی و درمانی بیماری‌های صعب‌العلاج مثل سرطان - که نیاز به عمل‌های جراحی پرهزینه دارند - را نیز در اینکه شامل نفقه شوند بعید نمی‌دانند، اما در نهایت ایشان نیز همچون محقق سبزواری آن را به حرجی نبودن برای شوهر مقید می‌دانند (حسینی روحانی، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۵۳۵؛ فیاض کابلی، ۱۳۷۸: ج ۳، ص ۷۱). مرحوم خوبی در جایی دو قید تمکن زوجه و خطیر بودن آن بیماری را ملاک دانسته است که با وجود این دو قید تحمل هزینه‌های آن بر شوهر واجب است (خویی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۳۶۰). همچنین ایشان در جایی دیگر، قید حرجی نبودن برای شوهر را نیز شرط دانسته است (خویی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۲۸۷). البته به نظر می‌رسد وجود این قید در این دلیل ثمرات زیادی نداشته باشد، زیرا وجود حرج برای شوهر، مانع وجوب نفقه در این موارد محسوب می‌شود و بدون این قید نیز می‌توان به این نکته رسید. هر چند با وجود مقتضی وجوب نفقه در این موارد حرجی و وجود مانع بر سر راه آن، می‌توان گفت که این هزینه‌ها به عنوان دین بر عهده‌ی شوهر باقی می‌ماند و در صورت تمکن باید آنها را ادا کند و این یکی از ثمرات وجود این قید است. عده‌ای دیگر از فقها همچون سید محسن حکیم قید حرجی نبودن را ذکر نکرده‌اند، اما برای شمول نفقه بر هزینه‌های درمانی و بهداشتی متعارف و نامتعارف قیود دیگری می‌آورند. ایشان با آوردن دو قید «عقد دائم» و «عدم نشوز» تمام این هزینه‌ها حتی مصاریف مربوط به ولادت را نیز مشمول نفقه‌ی واجب می‌دانند (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۳۰۳). برخی دیگر از فقها این مورد را به قیود دیگر معتبر می‌دانند که با بیانی شبیه بیان سید محسن حکیم، تمام این هزینه‌ها را در صورتی که در عقد دائم شوهر باشد و زن عرفاً نزد شوهر باشد، بر شوهر واجب

می‌داند (وحید خراسانی، ۱۴۲۸: ج ۳، ص ۳۲۵). بنابراین از دیدگاه ایشان اگر زن بدون مجوز شرعی از نزد شوهر خارج شود، مستحق نفقه نخواهد بود. البته ایشان عدم استحقاق نفقه را به طور مطلق آورده‌اند، گویا زن در صورت رعایت نکردن این شرط، مستحق دریافت هیچ کدام از موارد نفقه حتی موارد منصوص نیست. میرزا جواد تبریزی با همان بیان فقهای قبلی این قید را می‌آورد که اگر درمان بیماری زن به هزینه‌های زیادی نیاز داشته باشد، در صورتی بر شوهر واجب است که اولاً حرجی نباشد و ثانیاً امید به مداوا و بهبود او وجود داشته باشد، بلکه شوهر به معالجه‌ی زن اطمینان نیز داشته باشد (تبریزی، ۱۴۲۶: ج ۲، ص ۳۶۰؛ همو، بی‌تا: ج ۱، ص ۳۶۹). با این قید به نظر می‌رسد، از دیدگاه ایشان درمان بسیاری از بیماری‌هایی که هنوز درمان ندارند و یا درمان قطعی ندارند، جزء نفقه‌ی واجب زن محسوب نمی‌شود. قید دیگری که در این باره وجود دارد «عدم تقصیر» است. با وجود این قید، در هر موردی که زن به بیماری‌های سخت و صعب‌العلاج مبتلا باشد اما مقصر آن خود او باشد، پرداخت هزینه‌های درمانی آن بر شوهر واجب نیست، اما در صورت تقصیر نداشتن بر شوهر واجب است تا آنها را بپردازد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹: ۱۰۶).

ب) روایت ربعی و فضیل از امام صادق (ع) در مورد کلام الهی: «وَمَنْ قَدَّرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَلْيَنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ» - «قال إن أنفق عليها ما يقيم ظهراً مع كسوة وإلا فُرق بينهما» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۱، ص ۵۰۹). در این روایت امام (ع) در پاسخ به سؤال سائل در مورد آیه می‌فرماید: «اگر آنچه مربوط به «ظهر» زوجه است و همچنین آنچه مربوط به پوشاک اوست را نپردازد، می‌توان بین زن و شوهر جدایی انداخت». عبارت «یقیم ظهراً» در کلام امام و در روایات دیگر کنایه از اموری است که مربوط به ادامه‌ی معاش است از جمله بهداشت و درمان و سلامتی زوجه در مورد روابط زناشویی و تولید نسل و... حسینی روحانی «اقامه ظهراً» را کنایه از انفاق هر آنچه مربوط به ادامه‌ی معاش زوجه و مثل آن است می‌داند (حسینی روحانی، ۱۴۱۲: ج ۲۲، ص ۳۱۴). آیت‌الله سبحانی در این مورد نیز ضمن بیان استدلال دلیل اول، عمومیت این عبارت را دلیلی بر وجوب و شمول هزینه‌ها و بیماری‌های متعارف و نامتعارف بر زوج می‌داند (سبحانی، بی‌تا: ج ۲، ص ۳۶۶). شیخ طوسی نیز به نقل از حر عاملی^۱ این روایت را با سند دیگری نقل کرده که در آن به جای «یقیم ظهراً»، عبارت «یقیم صلبها» آمده است که در معنا مترادف هستند و خللی در مضمون روایت ایجاد نمی‌کند و استدلال به هر دو آنها صحیح است.

ج) روایت دیگر از امام صادق (ع) که می‌فرماید: «قُلْتُ لَهُ مَنْ الَّذِي أُجْبِرُ عَلَيْهِ وَ تَلَزُمُنِي نَفَقَتُهُ قَالَ الْوَالِدَانُ وَالْوَلَدُ وَالزَّوْجَةُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۵۲۵). در این روایت شوهر به پرداخت نفقه‌ی افرادی از جمله زن ملزم شده است و این الزام اطلاق دارد و اختصاص به شیء و مورد خاصی

ندارد. از سوی دیگر، این الزام به معنای وجوب است. بنابراین بر شوهر واجب است تا نفقه‌ی زن را بپردازد (طباطبایی قمی، ۱۴۲۶: ج ۱۰، ص ۲۸۹). طبق این استدلال مسلم است که هزینه‌های درمانی و بهداشتی نیز جزء نفقه محسوب می‌شود و بر شوهر واجب است تا آنها را بپردازد. البته نسبت به میزان آن یعنی متعارف یا نامتعارف بودن، بیانی ندارد، ولی به نظر می‌رسد اطلاق آن موارد نامتعارف را نیز شامل می‌شود.

د) قیاس اولویت دلیل عقلی این نظریه است. با این استدلال که وقتی با ادله‌ی فوق هزینه‌ها و بیماری‌های صعب‌العلاج که نامتعارف محسوب می‌شود، جزء نفقه است، پس به طریق اولی هزینه‌ها و بیماری‌های سهل‌العلاج که متعارف محسوب می‌شود نیز باید جزء نفقه باشد. این دلیل با توجه به ادله‌ی نقلی فوق مطرح است. به عبارت دیگر وقتی از ادله‌ی نقلی شامل قرآن و روایت شمول نفقه بر هزینه‌های درمانی و بهداشتی نامتعارف اثبات شد، به دلیل عقلی اولویت، وجوب هزینه‌های متعارف نیز ثابت می‌شود.

۳-۲-۲. شمول نفقه بر هزینه‌ها یا بیماری‌های متعارف

همان طور که در مباحث پیشین ذکر شد، درباره‌ی شمول نفقه بر هزینه‌های درمانی و بهداشتی، یک نظریه این است که نفقه شامل هزینه‌ها و بیماری‌های متعارف و نامتعارف است و طبق نظریه‌ی دیگر نفقه تنها هزینه‌ها و بیماری‌های متعارف را در برمی‌گیرد. در این نظریه به ادله‌ی ذیل استناد شده است:

الف) دلیل اول از قرآن کریم آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی نساء^۱ و همچنین آیه‌ی ۲۲۹ سوره‌ی بقره^۲ است. طبق این آیات معاشرت به معروف و امساک به معروف واجب است. بنابراین چاره‌ای نیست جز اینکه به آنچه بین ازواج و زوجات متعارف است، اقدام شود (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۰: ج ۱۰، ص ۲۸۹). با این استدلال هزینه‌های درمانی و بهداشتی نیز می‌تواند یکی از این امور متعارف باشد که مصداقی از آیات فوق قرار می‌گیرد. البته در نظریه‌ی قبلی نیز گروهی از فقها به همین آیه استناد کرده و از عمومیت آن در راستای اثبات مدعای خود بهره برده‌اند، اما در این نظریه، از عبارت «معروف» در این آیه استفاده شده نه از عمومیت آن.

ب) روایت شهاب‌بن عبد ربه از امام صادق (ع) است: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَا حَقُّ الْمَرْأَةِ عَلَى زَوْجِهَا قَالَ يَسُدُّ جُوعَهَا وَيَسْتُرُ عَوْرَتَهَا وَلَا يُقْبِحُ لَهَا وَجْهًا...» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۱، ص ۵۱۳). فقره‌ی سوم این روایت (لا يقبح له وجهها) حقی را برای زن به وجود می‌آورد و آن این است که شوهر نباید باعث تقبیح وجه زن شود. بنابراین واجب است، شوهر هر آنچه که برای رفع این

۱- یا ایها الذین آمنوا لا یحل لکم ان ترثوا النساء کرها و لا تعضلوهن... الا ان یاتین بفاحشه مبینه و عاشروهن بالمعروف.

۲- الطلاق مرتان فامساک بمعروف او تسریح باحسان

قباحت از وجه و ظاهر زن لازم است را فراهم کند؛ مثل اجرت حمام و همچنین سایر اسباب و آلات نظافت (اراکي، ۱۴۱۳: ۲۸۷). با توجه به قاعده «العلة تُعمم و تُخصّص» علت و ملاک موجود در این استدلال باید به موارد مشابه دیگر نیز تعمیم‌پذیر باشد. از آنجا که تمام موارد فوق با استدلال مذکور، مشمول نفقه‌ی واجب بر شوهر شدند، هزینه‌های درمانی و بهداشتی نیز با توجه به داشتن ملاک موجود در استدلال باید مشمول نفقه‌ی واجب بر شوهر باشند، زیرا نپرداختن هزینه‌های بهداشتی به بیماری زن منجر شده و در اثر بیماری قباحت ظاهر نیز به وجود می‌آید. بنابراین چون نپرداختن هزینه‌های درمانی و بهداشتی در نهایت، قباحت ظاهر را برای زن به ارمغان می‌آورند، بر شوهر واجب است تا آن هزینه‌ها را بپردازد. مرحوم طباطبایی قمی به خاطر ضعف سند این روایت، ادعای ارسال کرده، اما در ادامه می‌گوید: «برای این روایت سند دیگری نیز وجود دارد که آن هم تأمل‌برانگیز است، اما با فرض چشم‌پوشی از سند روایت، با توجه به صدر روایت دانسته می‌شود که «بسد جوعتها» و «یستر عورتها» کنایه از وجوب انفاق بر زن به نحو شیوع هستند. بعید نیست که موارد مذکور در روایت، طبق عادت جاری در آن زمان بوده و نتیجه اینکه انجام دادن امور متعارف واجب است، نه آنچه که فقط در روایت ذکر شده است (طباطبایی قمی، ۱۴۲۶: ج ۱۰، ص ۲۸۹).

ج) یکی دیگر از ادله‌ی این دیدگاه، اصل برائت است. با این بیان که موضوع بحث از شبهات موضوعیه است و در شبهات موضوعیه تمسک به اطلاقات و عمومات صحیح نیست و با شک در شمول ادله باید به اصل برائت تمسک کرد. مؤلف مذهب/الأحكام هزینه‌های بهداشتی و حتی تجملاتی مورد نیاز و به طور متعارف زوجه را به دلیل عمومات و اطلاقات ادله و همچنین اجماع و سیره جزء نفقه می‌داند، اما در مورد هزینه‌های نامتعارف بیماری‌های صعب‌العلاج در اینکه آیه ادله باب شامل وجوب این هزینه‌ها می‌شود یا نه به اصل برائت تمسک کرده و نتیجه گرفته که عمومات شامل آن نمی‌شود و لذا هزینه‌های نامتعارف جزء نفقه محسوب نمی‌شوند (سبزواری، ۱۴۱۳: ج ۲۵، ص ۳۰۳).

د) دلیل دیگر این نظریه آن است که عرف را ملاک تعیین و تحدید موارد نفقه می‌دانند. طبق این دلیل از نظر عرف هر آنچه که زن برای گذران زندگی خود به آن نیاز دارد جزء نفقه محسوب می‌شود. مؤلف فقه الإمام/الصادق این دلیل را مطرح کرده و در ادامه از قیاس اولویت بهره برده و می‌گوید: «نیاز به دارو و پزشک، بیشتر از نیاز به خوراک، پوشاک، مسکن و خادم است. از این رو اگر پرداخت هزینه‌ی آنها واجب باشد، به طریق اولی، پرداخت هزینه‌ی دارو و درمان، واجب خواهد بود» (مغنیه، ۱۴۲۱: ج ۵، ص ۳۱۴). محقق سبزواری نیز معتقد است، در این موارد عرف و عادت و سیره‌ی مستمره از قبل بعثت تا زمان ما بر این بوده که در متعارف واجب بوده است و آنچه که

در طول زمان‌ها واجب بوده اطلاق و عمومات کتاب و سنت نیز بر آن دلالت دارند، یعنی در زمان ما نیز در همان حد متعارف واجب است (سبزواری، ۱۴۱۳: ج ۲۵، ص ۳۰۲). این دلیل در بین حقوق‌دانان نیز اهمیت بسیاری دارد؛ برای نمونه دکتر کاتوزیان نیز عرف را در این باره ملاک دانسته و می‌نویسد: «تحول شیوه‌ی زندگی، هر روز نیازهای تازه به وجود می‌آورد. این نیازها را نمی‌توان در چارچوب معینی محصور کرد و ناچار باید داوری را به عهده‌ی عرف گذارد» (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۱۷۳). ایشان در ادامه یکی از این نیازها را همین هزینه‌های درمانی و بهداشتی می‌داند. ذیل نظریه‌ی شمول نفقه بر هزینه‌ها و بیماری‌های متعارف، یک تفکیک جزئی نیز وجود دارد که یکی از اهداف اصلی پژوهش حاضر تبیین همین تفکیک است. تفکیک مورد بحث از تعلق قید «متعارف» ناشی می‌شود که از کلام فقها به دست می‌آید. قانون مدنی نیز همین قید را در ماده‌ی ۱۱۰۷ با عطف به «متناسب» ذکر کرده است. اختلاف این دو دیدگاه، در این است که عده‌ای این قید را به هزینه‌های درمانی و بهداشتی متعلق می‌دانند و عده‌ای دیگر این قید را به بیماری متعلق می‌دانند. تعلق این قید به هر کدام از هزینه‌ها و بیماری‌ها ثمرات معتناهایی را به بار می‌آورد که همراه با ادله‌ی آنها ذکر می‌شود.

۳-۲-۱. نظریه‌ی لزوم متعارف بودن هزینه‌ها

الف) یکی از ادله‌ی این نظریه جریان سیره معرفی شده است. به عبارت دیگر از دیدگاه این دسته از فقها، سیره‌ی عقلا این گونه بوده که هزینه‌های متعارف بیماری‌های زن را جزء نفقه می‌دانسته و زوج به پرداخت آن ملزم بوده است. از سوی دیگر، ادله‌ی وجوب نفقه‌ی متعارف از این حیث عمومیت داشته و شامل پرداخت هزینه‌های درمانی و بهداشتی نیز می‌شود (سبزواری، ۱۴۱۳: ج ۲۵، ص ۳۰۳). مرحوم سبزواری شمول این ادله را در مورد اجرت فحص و یافتن طبیب نیز می‌داند، البته به شرطی که برای شوهر مشکل و پرهزینه نباشد و الا وجوب آن اشکال دارد. در هر حال از دلیل ایشان نیز هزینه‌های درمانی و بهداشتی متعارف استنباط می‌شود، نه بیماری‌های متعارف. ب) عده‌ای از فقها در کلام خود به صراحت از کلمه‌ی «اجرت» استفاده کرده‌اند که بدون هیچ تردیدی دلالت بر وجوب هزینه‌های درمانی و بهداشتی می‌کند. کاشف‌الغطاء بعد از بیان وجوب مقدار متعارف مایحتاج زن می‌گوید: «و لا یبعد ان علیه أيضاً أجره الطیب و الدواء و القابله و مصارف النفاس و اشباه ذلك» (نجفی کاشف الغطاء، ۱۴۲۳: ج ۴، ص ۱۴۳). در کلام ایشان اجرت طبیب به هزینه‌های مخصوص طبیب که امروزه با عنوان ویزیت موسوم است، اشاره دارد و با عطف «الدواء» به آن هزینه‌های درمانی و معالجه را نیز بر شوهر لازم می‌داند. در نهایت از عبارت «اشباه ذلك» می‌توان تقریباً تمام هزینه‌های درمانی و بهداشتی متعارف دیگر را استنباط کرد. در تمام موارد ذکر شده در کلام ایشان، نقطه‌ی عطف فقط هزینه‌هاست نه بیماری‌ها. عده‌ی دیگری

از عبارت «اخذ الدواء»، همین استفاده را کرده‌اند (آملی، ۱۴۰۶: ج ۵، ص ۱۸۱)، چرا که اخذ دواء به روشنی بر هزینه‌های درمانی و بهداشتی دلالت دارد، زیرا در «اخذ دارو» مراد از «اخذ» - که به معنای گرفتن است - قدرت خرید آن است نه قدرت تصاحب آن با زور و اجبار.

ج) دسته‌ای دیگر از فقها میزان ابتلا به امراض و احتیاج به درمان را ملاک شمول نفقه قرار داده‌اند. آنها ضمن تفصیل بین امراض سهل‌العلاج و صعب‌العلاج، فقط هزینه‌های درمانی بیماری‌های سهل‌العلاج را جزء نفقه می‌دانند. فاضل لنکرانی در این باره می‌فرماید: «دلیل این است که در امراض سهل‌العلاج، ابتلا به آن زیاد است و از طرفی دیگر احتیاج به داروهای مؤثر در آن نیز زیاد است. بنابراین جزء نفقه است، ولی در امراض صعب‌العلاج چون ابتلا به آن نادر و اتفاقی است، هزینه‌های آن جزء نفقه نمی‌باشد» (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱: ۵۹۱). به نظر می‌رسد، از نظر ایشان چون در بیماری‌های صعب‌العلاج داروهای مؤثر یا نادر و پرهزینه است و یا داروها کم‌تأثیر، بی‌تأثیر و پرهزینه است؛ لذا جزء نفقه نیست. ایشان فقط در یک حالت شمول نفقه بر هزینه‌های بیماری‌های صعب‌العلاج را بعید نمی‌دانند و آن در صورتی است که زن، شغل و درآمدی نداشته باشد و ادامه‌ی حیات او به پرداخت هزینه‌های درمانی او از سوی شوهر منوط باشد. ایشان در جایی دیگر بدون بیان این شرط اخیر، الزام شوهر به پرداخت این هزینه‌ها را تنها از باب امر به معروف می‌داند (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۴۴۶). مرحوم گلپایگانی نیز در مجمع‌المسائل آن را از همین باب می‌داند (موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۱۸۳). در این مورد نیز هر چند بحث از تفصیل بین بیماری‌های صعب‌العلاج و سهل‌العلاج است، اما کلام اصلی بر سر شامل شدن یا شامل نشدن هزینه‌های درمانی آنهاست.

د) برخی دیگر در مورد هزینه‌های درمانی از عبارت «نفقات الطیب» و امثال آن استفاده کرده‌اند. آیت‌الله مکارم شیرازی در پاسخ به سؤالی در این باره ضمن پذیرش وجوب نفقه‌ی متعارف در مایحتاج زن، از عبارت «حتی نفقات الطیب و الدواء و ما شابه ذلک» استفاده می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶: ۱۵۲). واضح است که نفقات در این عبارت، تنها می‌تواند بر هزینه‌ها حمل شود، زیرا با اضافه شدن آن به طبیب مجالی برای احتمالات دیگر باقی نمی‌ماند و امروزه از این هزینه‌ها به عنوان ویزیت یا حق ملاقات پزشک تعبیر می‌شود. همچنین عبارات «الدواء» و «ما شابه ذالک» عطف به «طیب» شده‌اند و این بیانگر این است که حتی هزینه‌های دیگر چون هزینه‌ی درمان بیماری و چیزهایی شبیه آن مثل هزینه‌های ایاب و ذهاب و سفرهای درمانی، هزینه‌های مراقبت و... را نیز در بر می‌گیرد. البته در مورد شمول نفقه بر سفرهای زن چند قید وارد شده است؛ یکی اینکه سفر واجب باشد مثل سفر حج واجب و دیگر اینکه سفر درمانی باشد و درمان متوقف بر این سفر باشد و در نهایت اینکه بر شوهر حرجی نباشد (سبزواری، بی‌تا: ۵۷۵). البته پرداخت هزینه‌های تمام موارد مذکور در حد متعارف واجب است.

۳-۲-۲. نظریه‌ی لزوم متعارف بودن بیماری‌ها

در این دیدگاه، «متعارف» قید است برای بیماری‌ها نه برای هزینه‌ها. به عبارت دیگر نوع بیماری است که مشخص می‌کند که آیا جزء نفقه محسوب می‌شود یا خیر و در نتیجه پرداخت آن بر عهده‌ی شوهر است یا نه. ظاهراً این دیدگاه به مرحوم خویی منتسب است. ایشان در این باره می‌فرماید: «هزینه‌ی درمان بیماری متعارف زن بر شوهر واجب است و در بیماری صعب‌العلاج که اتفاقی پیش می‌آید و نیاز به هزینه‌ی زیاد دارد، مشروط به اینکه شوهر به حرج نیافتد بر شوهر واجب است» (خویی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۲۸۷). هر چند در کلام اول ایشان از هزینه‌ها بحث شده است، اما ایشان فقط قید «متعارف» را برای بیماری بیان کرده و پرداخت هزینه‌ی این نوع بیماری را بر شوهر واجب می‌داند. به عبارت دیگر، ایشان فقط هزینه‌های بیماری‌های متعارف را جزء نفقه می‌داند. این دیدگاه بعد از ایشان نیز پیروانی داشت. آیت‌الله صافی گلپایگانی نیز در این باره هزینه‌ی بیماری‌های معمولی زن را به عهده‌ی شوهر می‌داند، ولی مخارج بیماری‌های سختی که گاهی اتفاق می‌افتد، به خصوص در مواردی که هزینه‌ی زیادی به دنبال داشته باشد را بر عهده‌ی شوهر نمی‌داند (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۴۷۵). ایشان به جای عبارت «متعارف» از عبارت «معمولی» استفاده کرده که در دیدگاه ایشان خللی وارد نمی‌سازد و این دو عبارت مترادف‌اند. آیت‌الله سیستانی نیز ضمن پذیرش این دیدگاه، هزینه‌ی درمان بیماری‌های متعارف را بر شوهر واجب می‌داند، اما در بیماری‌های صعب‌العلاج که اتفاقی پیش می‌آید و هزینه‌ی زیاد نیاز دارد، پرداخت آن را بر شوهر واجب می‌داند، مشروط به اینکه شوهر به حرج نیافتد (سیستانی، ۱۴۱۷: ج ۳، ص ۱۲۶). عده‌ای دیگر چون آیت‌الله وحید خراسانی ضمن پذیرش وجوب نفقه در بیماری‌های متعارف، در مورد بیماری‌های صعب‌العلاج و اینکه جزء نفقه واجب باشد، احتیاط واجب را لازم و مصالحه را اولی می‌داند (وحید خراسانی، ۱۴۲۸: ج ۳، ص ۳۲۶). برخی از حقوق‌دانان نیز در مورد مخارج معالجه فقط هزینه‌ی مداوای امراض عادی را جزء نفقه دانسته و نسبت به مخارج درمان امراض صعب‌العلاج که مستلزم هزینه‌های سنگین است، تردید کرده‌اند (محقق داماد، ۱۳۶۵: ۲۹۲). ملاحظه می‌شود که در این دیدگاه، ملاک وجوب تحمل هزینه‌های درمانی و بهداشتی نوع بیماری است، هر چند ممکن است عبارات آن با هم کمی مختلف باشد.

بحث و بررسی

هر تفکیکی در هر علمی باید ثمراتی داشته باشد، در غیر این صورت آن تفکیک بدون اساس و لغو است. ثمره‌ی تفکیک در موضوع مورد بحث نیز در میزان نفقه و وظایف زوج نسبت به زوجه تبلور می‌یابد. بدین ترتیب که اگر «متعارف» قید «هزینه‌ها» باشد، چنان‌که در هر نوع بیماری اعم از

سهل‌العلاج یا صعب‌العلاج که هزینه‌های درمان آن متعارف باشد، جزء نفقه محسوب شده و شوهر به پرداخت آن ملزم است، اما اگر «متعارف» قید «بیماری» باشد، چنانچه بیماری زن متعارف و معمولی باشد، اعم از اینکه هزینه‌ی درمانی زیادی داشته باشد یا نه، جزء نفقه است و شوهر به پرداخت آن ملزم است و اگر بیماری نامتعارف باشد، هر چند هزینه‌ی آن اندک باشد، شوهر به پرداخت هزینه‌های درمانی آن ملزم نیست. ملاحظه می‌شود که تمسک به هر یک از این دو دیدگاه در میزان هزینه‌های درمانی زن از سوی شوهر بار مالی متفاوتی را بر شوهر تحمیل می‌کند. این اختلاف دیدگاه در قالب این مثال بهتر خود را نشان می‌دهد؛ فرض این است که زن به بیماری دیسک کمر مبتلا شده است. حال زن می‌تواند به یک بیمارستان خصوصی و فوق تخصصی در شمال تهران مراجعه کند که هزینه‌های درمانی زیادی را برای او در نظر می‌گیرند و هم می‌تواند به یک بیمارستان دولتی در مرکز یا جنوب تهران مراجعه کند که با بیمارستان قبلی اختلاف بسیار زیادی در میزان هزینه‌های درمانی آن بیماری دارند. طبق دیدگاه اول که ملاک «هزینه» است شوهر به پرداخت هزینه‌های درمانی در بیمارستان دولتی ملزم است، اما نسبت به پرداخت هزینه‌های بیمارستان خصوصی فوق هیچ الزامی ندارد، اما طبق دیدگاه دوم که ملاک «بیماری» است اگر دیسک کمر یک بیماری متعارف باشد که هست، شوهر به پرداخت هزینه‌های درمانی آن ملزم است، اعم از اینکه در بیمارستان خصوصی شمال تهران مداوا شود یا در بیمارستان دولتی جنوب تهران. حال اگر بیماری دیسک کمر را یک بیماری نامتعارف و یا صعب‌العلاج فرض کرد، طبق این دیدگاه، شوهر اصلاً به پرداخت هزینه‌های درمان آن ملزم نیست، اعم از اینکه در بیمارستان خصوصی درمان شود یا در بیمارستان دولتی. این ثمره‌ی بسیار مهمی است که وظایف شوهر نسبت به زن را در مورد میزان پرداخت این هزینه‌ها متفاوت می‌کند. درباره‌ی اینکه کدام یک از دو دیدگاه فوق اولویت دارد و می‌تواند حقوق و وظایف زوج و زوجه را تأمین کند، به نظر می‌رسد که «متعارف» قید هزینه‌ها باشد نه قید بیماری‌ها. به عبارت دیگر این هزینه‌ها هستند که باید متعارف باشند تا جزء نفقه محسوب شود و پرداخت آنها بر شوهر لازم شود. دلایلی بر این انتخاب وجود دارد:

الف) دلیل اول این است که نوع بیماری مبتلابه زن یک امر قهری است و همان طور که در مسائل دیگر افراد در مقابل مسائل قهری مسئولیت ندارند، لذا شوهر نیز نسبت به نوع بیماری مسئولیتی ندارد به خصوص در مواردی که این بیماری نامتعارف یا صعب‌العلاج است، اما اگر بیماری متعارف باشد، گویا شوهر از همان ابتدا احتمال وجود یا ایجاد آن را در زن می‌داده و به صورت ضمنی مسئولیت آن را پذیرفته است. مگر اینکه شوهر در ایجاد آن بیماری صعب‌العلاج مقصر باشد. در این صورت مسئولیت او از باب تقصیر است نه از باب وجوب انفاق. آنچنان که اگر در مورد افراد دیگر غیر از زن نیز همین تقصیر وجود داشته باشد، مقصر مسئول است.

ب) هزینه‌های متعارف در زندگی مشترک از سوی شوهر امری پذیرفته شده است. به عبارت دیگر، نه تنها در مورد هزینه‌های درمانی و بهداشتی بلکه حتی در امور دیگری که اهمیت کمتری دارند، شوهر به پرداخت آن در حد متعارف ملزم است، چه رسد به این نوع هزینه‌ها که امروزه اهمیت بسیاری دارد و این همان حاکمیت عرف است. برخی از حقوق‌دانان نیز بر اساس همین عرف، هزینه‌ها را ملاک دانسته و می‌گویند: «هزینه‌های درمان و داروی زن نیز جزء نفقه بر عهده‌ی مرد است. همچنین هزینه‌ی بیمارستان و خریدن داروهای لازم با شوهر است، زیرا عرف این گونه هزینه‌ها را جزء نفقه می‌داند» (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۱۷۳).

ج) در موارد منصوص نفقه که شامل خوراک و پوشاک و... هستند نیز شوهر به تهیه‌ی آنها در حد متعارف ملزم است و مراد از تهیه‌ی آن در حد متعارف، تهیه‌ی آن با پرداخت هزینه‌ی متعارف است نه اینکه مثلاً راه‌های تهیه‌ی آن متعارف باشد. با شمول نفقه بر خدمات درمانی و بهداشتی و هم‌عرض بودن آن با موارد منصوص شرعی، مراد از تهیه‌ی آن در حد متعارف، همان هزینه‌های متعارف آن است.

د) اگر متعارف قید بیماری باشد در برخی موارد بر شوهر عسرو حرج لازم می‌آید و آن در جایی است که زن برای درمان بیماری خود به روش‌های درمانی پرهزینه متمسک شود. اگر بیماری نامتعارف باشد، موجب عسرو حرج زن است، زیرا شوهر اصلاً به ادای آن ملزم نیست. درحالی‌که اگر هزینه‌ها متعارف باشند، حتی اگر بیماری نامتعارف باشد، شوهر به پرداخت آن ملزم است و عسرو حرجی پیش نمی‌آید.

ه) اگر «متعارف» قید بیماری باشد، تالی فاسد دارد، زیرا ممکن است در مواردی که هزینه‌های درمانی و بهداشتی بیش از مقدار مهریه‌ی زن باشد، به طلاق او از سوی شوهر منجر شود، اما اگر ملاک هزینه‌ها باشد، شوهر در حد متعارف به پرداخت ملزم است و در موارد نامتعارف به پرداخت ملزم نیست، اما به طلاق منجر نمی‌شود.

و) اگر متعارف قید هزینه‌ها باشد، در این صورت یا هزینه‌ها متعارف است که شوهر به پرداخت آنها ملزم است - چه در بیماری‌های متعارف و چه در بیماری‌های نامتعارف - یا هزینه‌ها نامتعارف است که معمولاً در بیماری‌های نامتعارف و صعب‌العلاج پیش می‌آید. در این موارد طبق اصل بیست و نهم قانون اساسی دولت مکلف است که از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم خدماتی از جمله خدمات بهداشتی و درمانی را برای تک‌تک افراد جامعه تأمین کند. با این فرض خلایق حاصل نمی‌شود و سرنوشت درمان زن نامعین نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

نفقه‌ی واجب زن در موارد منصوص منحصر نیست، بلکه این موارد از باب غالب بوده و در زمان صدور روایات باب، اصلی‌ترین نیازهای زن همین موارد بوده است، اما در زمان حال، هزینه‌های درمانی و بهداشتی زن هم‌ردیف با نیازهای اساسی دیگر او مشمول نفقه است. هر چند ممکن است در کم و کیف آن اختلاف باشد. در مورد دو دیدگاه کلی شمول و عدم شمول نفقه بر هزینه‌های درمانی و بهداشتی به نظر می‌رسد، عرف و مقتضیات زمانی و مکانی معتبر است و از آنجا که این امور امروزه از نیازهای بسیار ضروری زن شده و بدون آن حیات جسمی و اجتماعی زن به مخاطره می‌افتد؛ لذا مشمول نفقه‌ی واجب زن است و بر شوهر است تا در حد متعارف آنها را بپردازد. درباره‌ی هزینه‌های آرایشی-بهداشتی می‌توان گفت که این نوع هزینه‌ها، از نظر مصادیق مندرج در روایات و کتب فقهی، با تجمیل و زیبایی‌ی زوجه برای شوهر نزدیک است مثل تهیه‌ی لوازم آرایش آن دوران از جمله سرمه و چرا که بهداشت لازم‌ه‌ی حسن معاشرت با زوجه و حفظ سلامت اوست. تکلیف هزینه‌های زایمان ولو سزارین و داروهای دوران مراقبت‌های زمان بارداری و شیردهی که نشئت گرفته از عمل سببی شوهر است، دست‌کم از باب تسبیب در ایجاد ضرر بر عهده‌ی شوهر است، گرچه اطلاق ادله‌ی باب نفقه نسبت به این گونه هزینه‌ها ردّ شود؛ چرا که «تسبیب» جزء اسباب ضمان قهری بوده و نسبت به سبب و عامل ایجاد ضرر مسئولیت ایجاد می‌کند.

درباره‌ی شمول نفقه بر هزینه‌ها و بیماری‌های متعارف و نامتعارف، هر چند که این نظریه قائلینی دارد، اما ادله‌ی آنها مناقشه‌پذیر است و در بسیاری از موارد باعث عسرو حرج شوهر می‌شود. حتی ممکن است تالی فاسد دیگری مثل بی‌رغبتی نسبت به ازدواج را در جوانان در پی داشته باشد. بنابراین پیرو نظر بیشتر فقها نظریه‌ی هزینه‌ها و بیماری‌های متعارف مقبول است و نفقه شامل هزینه‌های نامتعارف و بیماری‌های نامتعارف نمی‌شود و طبق قانون اساسی دولت اسلامی مکلف شده است تا از محل درآمدهای عمومی به این امور بپردازد. در نظریه‌ی اخیر مبنی بر تعلق قید «متعارف» به هزینه‌ها یا بیماری‌ها به نظر می‌رسد، این عبارت قید برای هزینه‌ها باشد نه برای بیماری‌ها؛ لذا هر جا هزینه‌های درمانی و بهداشتی زن متعارف بود و شوهر از عهده‌ی آن برمی‌آمد این هزینه‌ها جزء نفقه است و شوهر باید آن را بپردازد حتی اگر نوع بیماری نامتعارف باشد و این با حقوق شوهر سازگارتر است. قانون مدنی نیز در ماده‌ی ۱۱۰۷ از همین نظر پیروی کرده است. در مواردی هم که بیماری‌ها نامتعارف است و هزینه‌های زیادی را در پی دارد دولت اسلامی به پرداخت آن مکلف است.

منابع

- ◀ قرآن کریم.
- ◀ قانون مدنی.
- ◀ ابو جیب، سعدی ۱۴۰۸ق. القاموس الفقهي لغة و اصطلاحا، دمشق، دارالفکر.
- ◀ اراکی، محمدعلی ۱۴۱۳ق. رساله فی نفقه الزوجه، قم، در راه حق.
- ◀ اصفهانی، محمدبن حسن ۱۴۱۶ق. کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ◀ انصاری، مرتضی ۱۴۱۵ق. کتاب النکاح، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- ◀ آذرنوش، آذرتاش ۱۳۹۳. فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران، نی.
- ◀ آملی، میرزا هاشم ۱۴۰۶ق. المعالم المأثورة، قم، مؤلف الكتاب.
- ◀ بصری بحرانی، زین‌الدین محمدامین ۱۴۱۳ق، کلمة التقوی، قم: بی‌جا.
- ◀ بهجت فومنی، محمدتقی ۱۴۲۶ق. جامع المسائل، قم، دفتر معظم‌له.
- ◀ تبریزی، جوادبن علی ۱۴۲۶ق. منهاج الصالحین، قم، مجمع الإمام المهدی.
- ◀ _____ بی‌تا. استفتاءات جدید، قم، دفتر معظم‌له.
- ◀ حرّ عاملی، محمدبن حسن ۱۴۰۹ق. وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل‌البيت عليهم السلام.
- ◀ حسینی روحانی، سید صادق ۱۴۱۲ق. فقه الصادق (ع)، قم، دارالکتاب مدرسه امام صادق (ع).
- ◀ _____ ۱۳۸۶. منهاج الصالحین، قم، اجتهاد.
- ◀ حلّی (علامه)، حسن بن یوسف ۱۴۱۰ق. إرشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ◀ _____ ۱۴۲۰ق. تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیه، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
- ◀ _____ ۱۴۱۳ق. قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ◀ _____ ۱۴۱۱ق. مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ◀ حلّی (فخرالمحققین)، محمدبن حسن ۱۳۸۷ق. ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- ◀ حلّی، یحیی بن سعید ۱۴۰۵ق. الجامع للشرائع، قم، مؤسسه سید الشهداء العلمیة.
- ◀ خویی، سید ابوالقاسم ۱۴۱۶ق. صراط النجاة، قم، مکتب نشر المنتخب.
- ◀ _____ ۱۴۱۰ق. منهاج الصالحین، قم، مدینه العلم.
- ◀ سبحانی، جعفر، بی‌تا. نظام النکاح فی الشریعة الإسلامیة الغراء، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
- ◀ سبزواری، سید عبد‌الأعلی، بی‌تا. جامع الأحکام الشرعیة، قم، المنار.
- ◀ _____ ۱۴۱۳ق. مهذب الأحکام، قم، المنار.
- ◀ سیستانی، سید علی ۱۴۱۷ق. منهاج الصالحین، قم، دفتر معظم‌له.
- ◀ صافی گلپایگانی، لطف‌الله ۱۴۱۶ق. هداية العباد، قم، دار القرآن الکریم.

- ◀ صدر، سید محمد ۱۴۲۰ق. *ماوراء الفقه*، بیروت، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزيع.
- ◀ صفایی، سید حسین و اسدالله امامی، ۱۳۹۳. *حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن*، تهران، دانشگاه تهران.
- ◀ طباطبایی حکیم، سید محسن ۱۴۱۶ق. *مستمسک العروة الوثقی*، قم، دار التفسیر.
- ◀ _____ ۱۴۱۰ق. *منهاج الصالحین*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
- ◀ طباطبایی قمی، سید تقی ۱۴۲۶ق. *مبانی منهاج الصالحین*، قم، منشورات قلم الشرق.
- ◀ عاملی (شهید ثانی)، زین الدین ۱۴۱۴ق. *حاشیة الإرشاد*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ◀ _____ ۱۴۱۳ق. *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- ◀ فاضل لنکرانی، محمد ۱۴۲۱ق. *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - النکاح*، قم مرکز فقهی ائمه اطهار.
- ◀ _____ ۱۳۸۳. *جامع المسائل (فارسی)*، قم، امیر قلم.
- ◀ فاضل هندی، محمدبن حسن ۱۴۱۶ق. *کشف اللثام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ◀ فیاض کابلی، محمد اسحاق ۱۳۷۸. *منهاج الصالحین*، قم، مکتبه آیةالله محمداسحاق فیاض.
- ◀ فیض کاشانی، محمد محسن بی تا. *مفاتیح الشرائع*، قم، کتابخانه آیةالله مرعشی نجفی (ره).
- ◀ قرشی، سید علی اکبر ۱۴۱۲ق. *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- ◀ کاتوزیان، ناصر ۱۳۹۲. *دوره حقوق مدنی، خانواده نکاح و طلاق*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ◀ گرجی، ابوالقاسم و همکاران ۱۳۹۲. *بررسی تطبیقی حقوق خانواده*، تهران، دانشگاه تهران.
- ◀ محقق داماد، سید مصطفی ۱۳۶۵. *بررسی فقهی حقوق خانواده ...*، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- ◀ مشکینی، میرزا علی، بی تا. *مصطلحات الفقه*، قم، الهادی.
- ◀ معین، محمد ۱۳۶۴ش. *فرهنگ فارسی*، تهران، امیر کبیر.
- ◀ مغنیه، محمد جواد ۱۴۲۱ق. *الفقه علی المذاهب الخمسة*، بیروت، دار التیار الجدید - دار الجواد.
- ◀ _____ ۱۴۲۱ق. *فقه الإمام الصادق علیه السلام*، قم، مؤسسه انصاریان.
- ◀ مکارم شیرازی، ناصر ۱۴۲۶ق. *أحكام النساء*، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
- ◀ _____ ۱۴۱۱ق. *القواعد الفقهیة*، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
- ◀ موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا ۱۴۰۹ق. *مجمع المسائل*، قم، دار القرآن الکریم.
- ◀ نجفی کاشف الغطاء ۱۴۲۳ق. *سفینة النجاة و مشکاة الهدی و مصباح السعادات*، نجف، کاشف الغطاء.
- ◀ نجفی، محمد حسن ۱۴۰۴ق. *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ◀ وحید خراسانی، حسین ۱۴۲۸ق. *منهاج الصالحین*، قم، مدرسه امام باقر علیه السلام.